

کودک ۳ ساله با ماشین، مادر و مادر بزرگش را زیر گرفت!

توکلی/ بی احتیاطی پدر یک خانواده و بازیگوشی کودک سه ساله اش، یک کشته و یک زخمی در نمایش کرمان به جا گذاشت. به گزارش خراسان، پدر این خانواده خودروی سواری اش را در حیاط منزل پارک کرده اما سوئیچ را برنداشته بود. در همین حال کودک در غفلت والدین به داخل خودرو می رود و در حالی که خودرو در حالت دنده عقب خاموش شده بود، استارت می زند و خودرو به سمت عقب حرکت می کند و از روی چند خانم نشسته در حیاط عبور می کند. در این حادثه مادر بزرگ خانواده پس از انتقال به مرکز درمانی جان باخت و مادر کودک از ناحیه دست و پا دچار شکستگی و در بیمارستان بستری شد.

۱۳ نفر در خصوص درگیری های «کهمان» بازداشت شدند

فرمانده انتظامی سلسله گفت: ۱۳ نفر از عاملان درگیری، تحریک کنندگان و انتشار دهندگان تصاویر حوادث چهارشنبه گذشته منطقه گردشگری «کهمان» شناسایی و دستگیر شدند. سرهنگ مسکری عیسی در گفت و گو با اپرنا افزود: در پی وقوع یک فقره درگیری در یکی از روستاهای منطقه کهمان و جلوگیری اهالی این روستا از اجرای حکم قلع و قمع و رفع تصرف اراضی ملی منطقه، موضوع به صورت ویژه در دستور کار ماموران این فرماندهی قرار گرفت. وی ادامه داد: عده دیگری نیز شناسایی شده اند و دستگیری آخرین نفرات شناسایی شده در دستور کار پلیس است. دادستان سلسله هم در این باره گفت: هفت نفر از ماموران نیروی انتظامی در درگیری های منطقه «کهمان» زخمی و مجروح شده اند که بدون شک با متخلفان و هتک حرمت کنندگان این افراد قاطعانه برخورد خواهد شد. یونس از ادپور افزود: برخی اهالی منطقه کهمان با استفاده از ایجاد سپر انسانی توسط زنان روستا و به کارگیری انواع سلاح سرد و گرم مانع اجرای حکم قلع و قمع و رفع تصرف اراضی ملی و حرایم شدند.

یک کشته و ۲ مجروح در سانحه رانندگی میدان جمهوری مشهد



در حادثه برخورد خودروی پژو ۲۰۶ با گاردیل در میدان جمهوری اسلامی مشهد، یک نفر کشته شد و دو نفر مصدوم شدند. به گزارش آتش نشانی، با مداخله دیروز در پی تماس تلفنی با سامانه ۱۲۵ مبنی بر سانحه رانندگی در میدان جمهوری اسلامی، آتش

نشانیان به محل حادثه اعزام شدند و مشخص شد خودروی پژو ۲۰۶ در مسیر میدان آزادی به سمت میدان جهاد در حرکت بوده که به دلیل ناملومی با گاردیل پل در ابتدای ورودی میدان جمهوری اسلامی برخورد می کند و دچار آتش سوزی می شود. آتش نشانیان ضمن مهار کامل حریق، دو مصدوم این سانحه را برای انتقال به بیمارستان تحویل تکنیسین های اورژانس دادند و پیکر یک نفر دیگر را که به دلیل شدت حادثه جان باخته بود، به عوامل انتظامی حاضر در صحنه تحویل دادند.

عصبانیت شبانه جوان معتاد به جنایت انجامید

رفیق کشی برای خروپف!



متهم به قتل



متهم به قتل هنگام جست وجو برای یافتن محل دفن جسد

که احساس کردم مواد مصرف کرده است و پرگویی می کند. زمانی که بالاخره خوابید باز هم صدای بلند خروپف هایش اعصابم را به هم می ریخت. من هم که مصرف مواد را کنار گذاشته بودم، به هیچ وجه نمی توانستم صدای خروپف های او را تحمل کنم! چند بار بیدارش کردم و گفتم، این قدر خروپف نکن! ولی نشد! تا این که خشم سراسر وجودم را فراگرفت و با سنگی که داخل اتاق بود، چند ضربه از پشت به سرش کوبیدم. وقتی جان سپرد خیلی ترسیده بودم، جسدش را داخل پراید خودم انداختم و در سمت بیابان های اطراف جاده کلات (خلق آباد) دفن کردم. خودم را هم در منطقه خواجه ربیع کنار خیابان گذاشتم! و...

گزارش خراسان حاکی است، با کشف خودروی خون آلود، تلاش ها برای پیدا کردن جسد ادامه یافت تا این که بعد از ظهر روز گذشته، جسد مقتول نیز از زیر نخاله های ساختمانی بیرون کشیده شد. تحقیقات بیشتر در این باره ادامه دارد.

یک سری فعالیت های پلیسی و در اقدامی ضربتی او را در تاریکی شب به دام انداختند. این جوان که ناباورانه به کارآگاهان خیره شده بود، ابتدا ارتکاب هرگونه جرمی را انکار کرد اما وقتی کارآگاهان تصویری از مرد نقاب دار را به او نشان دادند که شبانه با پراید «محمود» وارد کارگاه شده بود! دیگر همه چیز را لو رفته دید و به ناچار لب به اعتراف گشود. این متهم ۳۷ ساله در بازجویی های تخصصی گفت: من بیشتر شب ها در اتاق محمود زندگی می کردم و نزد او می خوابیدم. ما تنها همکار نبودیم بلکه دوستانی صمیمی نیز بودیم و با هم مواد مخدر صنعتی مصرف می کردیم تا این که تصمیم به ترک اعتیاد گرفتیم اما کارگران دیگر مدعی بودند که ما دروغ می گوئیم و همچنان مواد مصرف می کنیم. شب حادثه (سوم اردیبهشت) من طبق معمول نزد محمود رفتم ولی درحالی که خوابم می آمد و چرت می زدم او همچنان حرف می زد به طوری

دیگر کارگاه) نیز با او هم اتاق شده بود و هفته ای ۳-۴ روز را در همان اتاق نزد دوست و همکارش روزگار می گذراند و بقیه روزها را به منزل خواهرش می رفت. با وجود این از سوم اردیبهشت که محمود ناپدید شد او نیز از روز بعد دیگر به محل کارش نیامد. گزارش خراسان حاکی است، همین موضوع ظن کارآگاهان را برانگیخت و به عنوان یکی از فرضیه های اصلی احتمال وقوع جنایت در دستور کار قرار گرفت. بنابراین گروه ویژه کارآگاهان به فرماندهی سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی آگاهی) رصد های اطلاعاتی را برای شناسایی مخفیگاه «حسین-ک» درحالی شروع کردند که از راهنمایی ها و دستورات ویژه قاضی دکتر حسن زر قانی (قاضی ویژه قتل عمد) بهره می گرفتند. در همین هنگام با شناسایی منزل خواهر حسین در منطقه خواجه ربیع، عملیات دستگیری وی ادامه یافت و کارآگاهان با انجام

در امتداد تاریکی

ماجرای کریم شیشه ای!

وقتی دیدم دیگر نمی توانم این شرایط تاسف بار را در زندگی ام تحمل کنم، به ناچار تصمیم خودم را گرفتم تا به این روزهای تلخ پایان بدهم چرا که...

زن ۲۲ ساله درحالی که بیان می کرد اعتیاد روزگار من و همسرم را به تباهی کشاند، درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری رسالت مشهد گفت: پدرم به مواد مخدر سنتی اعتیاد داشت اما همواره کار می کرد و نمی گذاشت روزهای سختی را بگذرانیم. با وجود این، تلاش می کرد فرزندانش در سنین پایین از دواچ کنند و به دنبال سرنوشت خودشان بروند تا هزینه ها و مخارج زندگی اش کمتر شود. به همین دلیل هنوز ۱۴ بهار از عمر نگذشته بود که به اولین خواستگارم پاسخ مثبت داد و مرا پای سفره عقد نشاند. او هیچ گاه به خواسته من که ادامه تحصیل و ورود به دانشگاه بود، توجهی نکرد. خلاصه هنوز یک ماه بیشتر از برگزاری مراسم عقد کثان نمی گذشت که فهمیدم همسرم به مواد مخدر صنعتی اعتیاد دارد ولی مجبور به سکوت بودم چرا که طلاق در بین اطرافیانمان ناپسند و زشت شمرده می شد. از طرف دیگر نیز آن که پدرم معتاد بود ولی من از عواقب خطرناک مواد مخدر صنعتی هیچ اطلاعی نداشتم. بالاخره طولی نکشید که مشکلات مالی و بیکاری همسرم زندگی ما را به هم ریخت. در این وضعیت «کریم» به خرید و فروش مواد مخدر روی آورد تا بتواند مخارج زندگی و اعتیادش را تامین کند. اگرچه با این کار همسرم به شدت مخالف بودم و او به مشاجره می پرداخت اما کاری از دستم ساخته نبود. در همین روزها بود که یک لحظه به خودم آمدم و تا زه فهمیدم که من هم در دام اعتیاد گرفتار شده ام. به همین دلیل مجبور شدم به این مخالفت ها پایان بدهم. کریم نیز از این شرایط استفاده می کرد تا من برای فروش مواد مخدر با او همکاری کنم. در واقع او مرا پوششی برای خلاف کاری هایش می دانست تا پلیس به او مشکوک نشود ولی مقدار مصرف من و همسرم هر روز بیشتر می شد و درآمد ناشی از خرده فروشی مواد مخدر پاسخ هزینه های اعتیاد و مخارج زندگی مان را نمی داد. کار به جایی رسید که دیگر همسرم برای تهیه مواد مخدر آرام آرام شروع به فروش لوازم منزل کرد و پول آن ها را دود کردیم. زمانی که اطراف نگاه کردم که جز یک موکت سوخته، اجاق گاز تک شعله و چند تکه ظرف و ظروف چیز دیگری باقی نمانده بود. حالا به آخر خطر رسیده بودیم و من نمی توانستم این شرایط اسفبار را تحمل کنم. این بود که تصمیم نهایی خودم را گرفتم و پس از یک مشاجره لفظی با شوهرم، به کلانتری آمدم تا به این روزگار سیاه پایان بدهم. شایان ذکر است، با صدور دستوری از سوی سرگرد روح... لطفی (رئیس کلانتری رسالت) پیکیری های روان شناختی و حمایتی این پرونده به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی کلانتری سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

محصولی از سپهر کود رضوان



رفع شوری خاک و آب کشاورزی، رفع آفات

و محرک رشد گیاه با کود گوگرد بنتونیت دار ۷۰-۳۰

۳۰٪ تخفیف واقعی (همراه با کارت ملی) به مدت ۱۰ روز

تولید و توزیع انواع کود: پلیت مرغی • پلیت گاوی • پلیت گوسفندی
کود اکسیر کامل از مو • پودر زئولیت • دولومیت • بنتونیت
گوگرد • کربنات کلسیم • بستر حیوانات خانگی

۰۹۱۵ ۶۹۰۰۰۰ ۷۸۴

مشهد- سه راهی فردوسی- بین شاهنامه ۳۸ و ۳۶- نمایشگاه سپهر کود رضوان